

## باکو شریک ترکتازی واشنگتن در قفقاز

خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان  
علی کاظم خانلو

خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان

طی سال های پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، ایالات متحده آمریکا به عنوان تنها بازیگر عمده خارج از منطقه، بر اساس نظم نوین جهانی و تسلط بر مناطق حیاتی جهان، توجه زیادی به حوزه های اقتصادی، نظامی و امنیتی آذربایجان کرده است، به خصوص که از این طریق می توانست به اهداف بلندمدت خود یعنی حضور در خزر نیز نزدیک تر شود. از سوی دیگر ضعف نظامی و اقتصادی اوایل استقلال، موقعیت ژئوپلیتیک آذربایجان را به یک عامل منفی برای این کشور تبدیل نمود و موجب وابستگی بیش از حد باکو به آمریکا شد. بر این اساس آذربایجان بر اثر وابستگی به شرکت های نفتی بیگانه برای استخراج و دسترسی به بازارهای بین المللی مجبور شد تا روابط خود را با دول منطقه بر تقاضاهای آنها مبتنی سازد.

یکی از مهم ترین دلایلی که موجب غرب گرایی در سیاست خارجی آذربایجان و نزدیک شدن این کشور به آمریکا شد، مناقشه قره باغ بود. در حالی که ارمنی ها همواره نسبت به حمایت روس ها از خود اطمینان داشتند، آذری ها از سلطه مجدد روسیه در منطقه بیمناک بودند، به همین دلیل آذربایجان همواره در سیاست خارجی خود سعی در دخالت دادن نیروهای فرامنطقه ای داشت زیرا آنها احساس می کردند که قدرت های فرامنطقه ای به خصوص ایالات متحده آمریکا می توانند تکیه گاهی مطمئن برای آذربایجان در مناقشات باشند. استدلال آذری ها این بود که آمدن غرب و سرمایه گذاری در زیرساخت های اقتصادی به ویژه نفت، نیازمند امنیت خواهد بود، لذا غرب به منظور ایجاد امنیت جهت تأمین انرژی خود، ناگزیر خواهد بود که در خصوص مسئله قره باغ بر ارمنستان فشار وارد کند، البته باید توجه داشت که استدلال آذری ها عملاً اشتباه بوده و در طول سال های گذشته، آمریکا همواره با نگاه تأمین منافع خود با موضوع برخورد کرده و هیچ گامی را در راستای نزدیک کردن دیدگاه های خود و گروه مینسک به حل بحران قره باغ برنداشته است. در این راستا حتی امریکایی ها به تجدید نظر در اجرای مصوبه 907 مجلس سنای این کشور نیز نپرداخته اند. مطابق با این مصوبه مجلس سنا، دولت آمریکا ملزم به تحریم نظامی آذربایجان و حمایت همه جانبه سیاسی، اقتصادی و... از ارمنستان شده است. به رغم آنکه آذری ها به شدت با این مصوبه سنا مخالفت کرده اند و در همه دیدارهای خود با مقامات عالی رتبه امریکایی این موضوع را مطرح نموده اند، با این حال دولتمردان آمریکا با این توجیه که نمی توانند از اجرای مصوبه سنا سرپیچی کنند، عملاً از دادن نتیجه مثبت به باکو پرهیز کرده اند.

علاوه بر این، مسائل امنیتی انرژی نیز همواره در دستور کار آذربایجان و غرب قرار داشته است. چنانکه امریکایی ها همواره آذربایجان را کشوری کلیدی در دریای خزر برای تأمین انرژی اروپا تلقی کرده اند. در واقع آذربایجان از دید آمریکا و غرب واجد ویژگی هایی است که نیازهای منطقه ای و جهانی آنها را برطرف می کند. برای اروپا و آمریکا، همسایگی و پیوستگی جغرافیایی جمهوری آذربایجان با ایران، روسیه و آسیای مرکزی که هر سه دارای اهمیت استراتژیک و غیرقابل چشمپوشی هستند، مهم است و به تنهایی کفایت می کند تا در معادلات قدرت های جهانی جایگاه ویژه ای برای آن در نظر گیرند، به نحوی که حتی اگر آذربایجان فاقد نفت و گاز نیز بود، باز هم قابلیت های جغرافیایی زیادی داشت که بر اساس آنها همچنان در کانون توجهات دیگران قرار گیرد. در واقع توجه برخی سازمان های بین المللی نظیر ناتو به آذربایجان، بیش از آنکه به خاطر وجود انرژی در منطقه باشد، به سبب موقعیت خاص و برتری جغرافیایی باکو است.

از سوی دیگر رهبران آذربایجان نیز به ارزش و اهمیت ذخایر نفت و گاز خود در دنیای کنونی و نیاز اروپا و آمریکا و سایر کشورهای صنعتی به آن واقف هستند و از این اهرم در جهت تقویت نفوذ و تأثیرگذاری منطقه ای و بین المللی خود استفاده می کنند، ضمن آنکه از نظر آذربایجان، نزدیکی به آمریکا و غرب نیازهای آن کشور را مرتفع می سازد. چنانکه تا کنون آذربایجان و آمریکا، همکاری های تنگاتنگی در زمینه اقتصادی داشته اند، به نحوی که طی سال های گذشته، ایالات متحده آمریکا همواره از سرمایه گذاری در آذربایجان حمایت کرده است. شرکت های امریکایی در زمینه پروژه های اکتشاف، استخراج و توسعه میادین نفتی در دریا با آذربایجان همکاری می کنند، آنها همچنین در سایر زمینه ها نظیر مخابرات و ارتباط از راه دور نیز سرمایه گذاری های فراوانی کرده اند. ایالات متحده متعهد شده در روند گذار آذربایجان به دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد مساعدت نماید، از این رو قانون حمایت از آزادی (The Freedom Support Act) در اکتبر سال 1992 در آمریکا به تصویب رسید. تحت این قانون، ایالات متحده حدود 22 میلیون دلار به بهبود وضع حقوق بشر، ترویج دموکراسی و اصلاح امور اقتصادی آذربایجان در سال 2010 اعطا کرده است.

در مجموع می توان چنین عنوان نمود که نیازهای متقابل باعث شکل گیری پیوندهای جدید بین آمریکا و غرب با آذربایجان شده است. در این راستا همواره روابط دوستانه ای بین آمریکا و آذربایجان برقرار بوده است و در برخی مواقع مناسبات دو طرف وارد مراحل و فازهای جدیدی نیز شده است. به عنوان نمونه طی سال های گذشته، باکو و واشنگتن در عملیات های صلحانی به مشارکت با یکدیگر پرداخته اند و فعالیت های مشترکی در زمینه مبارزه با تروریسم انجام داده اند، به نحوی که نیروهای نظامی آذربایجان و آمریکا دوشادوش یکدیگر در کوزوو، افغانستان و عراق همکاری کرده اند. در این راستا آذربایجان طی سال های اخیر سعی کرده روابط نظامی- امنیتی خود را با آمریکا در چارچوب های زیر تعریف کند:

1- مبارزه با تروریسم

2- حمل ۲۵ درصد تجهیزات و نیازهای نیروهای ناتو در افغانستان از طریق آذربایجان

3- تشکیل نیروهای واکنش سریع آذربایجان در دریای خزر

4- نوسازی تجهیزات نظامی آذربایجان توسط آمریکا

5- انجام مانورها و آموزش های نظامی مشترک

6- حضور نیروهای نظامی آذربایجان در قالب نیروهای حافظ صلح در افغانستان.

به طور کلی بعد از حوادث 11 سپتامبر، جمهوری آذربایجان یکی از مناطقی بود که بیش از یکصد هزار نفر از نیروهای مستقر در افغانستان از طریق خاک این کشور به افغانستان اعزام شدند، بنابراین جمهوری آذربایجان نقش بسیار کلیدی در جنگ با افغانستان ایفا کرد و در دورانی که آمریکا برای ارسال نیرو و تجهیزات به افغانستان با محدودیت مواجه شده بود، باکو توانست کمک های درخور توجهی به واشنگتن نماید.

در حال حاضر نیز اتفاقی که آمریکا را ترغیب کرده است تا با حضور و استفاده از موقعیت آذربایجان، خلأ استراتژیک خود در منطقه برای کمک به افغانستان را پر کند، از یک سو احتمال بسته شدن «ماناس» پایگاه نظامی آمریکا در قرقیزستان است و از سوی دیگر تصویب «دکترین نظامی جدید آذربایجان» توسط پارلمان این کشور است که طی آن دولت می تواند در شرایط اضطراری، پایگاه نظامی در اختیار کشورهای خارجی قرار بدهد. تصویب این مصوبه در پارلمان آذربایجان، احتمال صحت این مسئله را تقویت می کند که دولت و پارلمان این کشور متأثر از خواسته مقامات امریکایی به تصویب ماده 29 دکترین نظامی خود تن دهند.

پایان پیام.